



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2400 – Student Glossary – UNIT 2410

Unit No: 2410

Tags: American Language Course, UNIT 2410, Glossary

Madonna of the Trail	نام مجسمه حضرت مریم (ع) است.	Authority	قدرت، اقتدار
Monument	بنای یادبود، مجسمه تاریخی	Move	قدرت، اقتدار
Dedicate	تخصیص دادن، اهدا کردن	Crowded	شلوغ، پر جمعیت
Memory	خاطره، یادبود	Wilderness	صحرا، بیابان
Pioneer	مهاجرین اولیه آمریکا، مربوط به مهاجران اولیه آمریکا	Undergo	تن در دادن، دستخوش (چیزی) شدن
Early	اولیه، نخستین	To be subject to	در معرض (چیزی) قرار گرفتن، دستخوش (چیزی) شدن
Hero	قهرمان، اسطوره	Quite often	در اغلب اوقات، اکثراً، غالباً
De-emphasize	تأکید نکردن، کم اهمیت دانستن	Sunup	بالا آمدن خورشید، طلوع
Stress	تأکید	Sundown	پایین رفتن خورشید، غروب
Role	رُ، نقش	Practically	عملاً، در عمل
Part	نقش، رُ	Luxury	تجمل، زینت و زیور
Play a role	نقش داشتن، نقش بازی کردن	Weave, wove, woven	فعل بی قاعده به معنی بافتن
Frontier	مرز، مرز جغرافیایی کشورها	Utensil	ابزار، وسایل آشپزخانه، ابزارآلات کشاورزی مانند داس و بیلچه
Will (v)	تمایل داشتن، خواستن	Handmade	دست ساز
Willing (adj.)	متماایل، خواهان	Fight off	دفع کردن، پس زدن (حمله)، جلوگیری کردن
Hardship	سختی، تنگنا، گرفتاری	Repel	دفع کردن
Settle	ساکن شدن، کوچ کردن، مسکن گزیدن	Raid	حمله، یورش، شیخون
Settler	ساکن، مهاجر، کوچگر، مقیم	Numerous (adj.)	متعدد، زیاد، فراوان
Colonist	مستعمره نشین، هر یک از مهاجران اولیه مستعمره	Civilized (adj.)	تمدن، شهری
Difference (n)	تفاوت، فرق	Unite (v.)	وصلت دادن، همبسته کردن، متحد ساختن
Army	ارتش، سپاه، قشون	Pioneer	وابسته به مهاجران اولیه (به ویژه در آمریکا)
Explore (v.)	کشف کردن، اکتشاف کردن	Cabin	آلانک، خانه کوچک، خانه جنگلی
Explorer (n.)	کاشف، اکتشاف کننده، جهانگرد، جهان پژوه	Do one's part	نقش داشتن، سهم داشتن، مشارکت داشتن
Eventually (adv.)	بالاخره، سرانجام، عاقبت	Wildly	بطور وحشیانه، بی تمدن، تربیت نشده
Sooner or later	دیر یا زود، بالاخره، سرانجام	Unsettled	غیر مسکونی، بدون سکونت
Homeland	وطن، میهن	State	حالت، وضعیت، شرایط (جمع)
Dissatisfied (with)	ناراضی (از)، ناخشنود (از)	Out of	از
Independent	مستقل	Fortune	ثروت، دارایی
Character	کاراکتر، شخصیت، خصیصه	Fortune hunter	شکارچی ثروت، کسی که برای ثروت با همسرش ازدواج کرده و یا کسی که برای جمع آوری ثروتهای یک سرزمین به آنجا حمله یا کوچ می کند.
Willing	متماایل، مایل، خواستار	Hunter	شکارچی، صیاد
Mistrust (n.)	عدم اعتماد، عدم اطمینان		
Impose	تحمیل کردن		
Imposed	تحمیل شده، تحمیلی		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2400 – Student Glossary – UNIT 2410

Unit No: 2410 **Tags:** American Language Course, UNIT 2410, Glossary

A series of	یک سری	Impression	اثر گذاری، تأثیر
Superior	بالا تر، برتر، بزرگ	Obstacle	مانع، راهگیر، گذر بند
Mass	کلان، بزرگ، هنگفت	Appearance	ظاهر، جلوه
Importance (n.)	اهمیت	Merchant	بازرگان، تاجر
Stress	فشار، اهمیت، تکیه	Craft	مهارت، پیشه‌وری
Fitness	سلامتی، تناسب، شایستگی	Craftsman	پیشه‌ور، صنعت کار، هنرور، استادکار
Physical fitness	سلامتی جسمی	Announce	اعلام کردن
Rather than	به جای، در عوض	Frontier	مرز، سرحد
Self-discipline	انضباط فردی، نظم شخصی	Announcement	اعلام، اطلاعیه، اعلامیه
Play a part in	نقش داشتن در، مشارکت نمودن	Close	به پایان رساندن
Defense	دفاع	Distinctive	مشخص، برجسته، خاص
Overeating	پرخوری	Feature	ویژگی، خصلت، خصوصیت
Advance (n.)	پیشرفت	Over	پایان یافته، مختوم، سرآمده
Devise	ابداع کردن، اختراع کردن	Trace (v.)	ردیابی کردن، دنبال نمودن
Wagon	گاری، ارابه	Characteristic (n.)	ویژگی، خصلت، خصوصیت
Migration	هجرت، مهاجرت، کوچ	Influence (n.)	نفوذ، تأثیر
Orderly	مرتب و منظم، بسامان، نظام‌مند	Mobile	متحرک، سیار، در حال حرکت
Then	در آن زمان	Opportunity (n.)	فرصت، مجال
Miner	معدنکار، معدنچی، کانچی	No longer	نه دیگر
Discovery	کشف، اکتشاف	Possession	اموال، دارایی، مال و منال
Deposit	ذخیره، مانده، سپرده بانکی	Nail	میخ
Gold deposit	ذخیره طلا، معدن طلا	Lifetime	زمان حیات، دوره زندگی
Significant (adj.)	چشمگیر، قابل ملاحظه	Likewise (adv.)	به همین ترتیب، همینطور، به علاوه
Significantly (adv.)	بطور قابل ملاحظه، بطور قابل توجه	Trade	خرید و فروش کردن، معاوضه کردن
Cattle	گله گاوهای پرواری	Fall apart	فرو ریختن، خراب شدن
Cattleman	دامدار، گله دار، دام پرور	Carry	حمل کردن، با خود بردن
Seek, sought, sought	جستجو کردن، به دنبال چیزی بودن	Unique	منحصر به فرد، غیر عادی
Fence	نرده، فنس، حصار	Local (adj.)	محلی، منطقه‌ای
Unfenced	بدون حفاظ، بدون حصار	Locally (adv.)	بطور محلی، در محل
Cowboy	گاوچران (که سوار بر اسب از دامها نگهداری می کند..)	Democracy	دموکراسی، مردم سالاری
Settlement	محل استقرار، کوچگاه	Practice (v.)	به کار بستن، اعمال کردن، انجام دادن
That is why	به همین دلیل است که	Equal	برابر، مساوی، هم سنگ، هم رتبه
Associate	به هم پیوستن، پیوند دادن، مربوط کردن	Democratically (adv.)	به طور دموکراتیک



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2400 – Student Glossary – UNIT 2410

Unit No: 2410 **Tags:** American Language Course, UNIT 2410, Glossary

Affair (n.)	امور (جمع)، موضوع
Phrase	فراز، عبارت، گزاره، گروه واژه
Clause	عبارت، مجموعه ای از چند کلمه که دارای فاعل و فعل باشد.
Even though	اگرچه، هرچند، با آنکه
Generation	نسل
Society	جامعه، اجتماع، انجمن
Rigid	محکم، استوار، جدی
Privilege	امتیاز، مزیت، برخورداری، مصونیت
Wealth (n.)	ثروت
Wealthy (adj.)	ثروتمند، متمول
Courage	جرأت، شجاعت، جسارت
Intelligence (n.)	هوش، قدرت یادگیری و تجربه آموزی و دانش اندوزی و انجام کار با سرعت و درستی
Prime (adj.)	اساسی، بنیادی
Of prime importance	دارای اهمیت اساسی
Comprehend	درک کردن، فهمیدن
Realize	درک کردن، فهمیدن
Aware (adj.)	آگاه، مطلع، هشیار
Awareness (n.)	آگاهی، هشیاری
Abundant (adj.)	فراوان، کثیر
Recognize (v.)	پذیرفتن، اذعان نمودن
Acknowledge (v.)	اذعان کردن، اعتراف نمودن
Construction	ساختار
Yet	با وجود این، معهدا
Attitude	رویکرد، نگرش، خلق، طرز برخورد